

تاثیر روابط ترکیه و اقلیم کردستان عراق بر قدرت منطقه‌ای ایران

رحمت حاجی مینه^۱ - عبدالسلام یتیم پرست^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۵

چکیده:

در سال ۱۹۹۱ حمله عراق به کویت و قیام کردها، منجر به ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق و تشکیل حکومت اقلیم کردستان (بصورت دوفاکتو) شد. در ادامه با سقوط رژیم بعث و تدوین قانون اساسی جدید، اقلیم کردستان به عنوان یک منطقه خودمختار در چارچوب کشور عراق به رسمیت شناخته شد. به گونه‌ای که امروز حکومت منطقه‌ای کردستان عراق به مثابه یکی از نیروهای اصلی تاثیر گذار در فرایندهای سیاسی منطقه در تعامل با کشورهای منطقه‌ای اعم از ج.ا.ایران و ترکیه اهمیتی بیش از پیش یافته است. لذا حضور و نفوذ هر یک از این دو کشور در اقلیم کردستان عراق بر قدرت منطقه و منافع ملی دیگری تاثیر گذار خواهد بود. روابط سیاسی و اقتصادی کردستان عراق و ترکیه در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته در این راستا سوال اصلی اینکه روابط سیاسی و اقتصادی ترکیه و اقلیم کردستان چه تاثیری بر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد؟ در فرضیه با توجه به بررسی سیاست‌های ترکیه در کردستان عراق و نقش اقتصادی و سیاسی آن در منطقه می‌توان گفت به هر اندازه روابط ترکیه و اقلیم کردستان تقویت شود به همان اندازه نفوذ ایران در اقلیم کاهش و در نتیجه قدرت منطقه‌ای ایران در خاورمیانه کاهش خواهد یافت. ضمناً روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر رویکرد توصیفی - تحلیلی می‌باشد، همچنین جمع‌آوری اطلاعات روش موضوعی و تحلیل محتوا از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و اینترنتی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: حکومت منطقه‌ای کردستان عراق، ایران، ترکیه، قدرت منطقه‌ای، منافع ملی، سیاست منطقه‌ای

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ نویسنده مسئول

hajrahmat@gmail.com

^۲ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

hedi.yatimparast@gmail.com

۱. مقدمه:

کردها در عراق از همان ابتدای تشکیل این کشور به مخالفت با ساختار جدید شکل پرداختند و از طریق مبارزات عمدتاً مسلحانه، سعی در احقاق حقوق خود داشتند. آنان در سال‌های دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بعد جدیدی یافت و در مارس ۱۹۷۰ منجر به بیانیه‌ای از سوی دولت عراق شد که در آن حق خودمختاری کردها را در سه استان اربیل، سلیمانیه و دهوک به رسمیت می‌شناخت. در سال ۱۹۹۱ با حمله عراق به کویت و قیام کردها، منجر به ایجاد منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق و تشکیل حکومت اقلیم کردستان شد. (حسن نژاد، ۱۳۹۴) اشغال نظامی عراق توسط آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و سقوط رژیم بعث باعث ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی جدیدی در منطقه خاورمیانه پس از فروپاشی نظام دوقطبی شده است. رواج اصطلاحاتی مانند «خاورمیانه جدید» یا «خاورمیانه بزرگ» و تعبیر مشابه دیگر، از شکل‌گیری نقشه ژئوپلیتیکی نوینی در این منطقه حساس از جهان حکایت دارند. این تحولات زمینه را برای گسترش رقابت میان قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای برای گسترش حضور و نفوذ در منطقه خاورمیانه و بهره‌برداری از شرایط نوین و ترتیبات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جدید فراهم نموده‌اند. (اخوان کاظمی و عزیزی، ۱۳۹۰) بعد از پایان جنگ سرد و حمله عراق به کویت و اعلام نظم نوین جهانی از سوی آمریکا موجب شد رهبران ترکیه به فکر احیای حداقل بخشی از امپراتوری عثمانی بيفتند و به دلیل شرایط نامطلوب شمال عراق و مهمتر از همه تضعیف صدام پس از شکست در جنگ دوم خلیج فارس و فقدان توانای مداخله در این منطقه، کردستان عراق را ضمیمه خاک خود نمایند. ترکیه به عنوان بازیگری فعال در منطقه، راهبرد بلند مدت خود را برای نفوذ اقتصادی-سیاسی منطقه بنا نهاده است و در صدد تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای در چند سال اخیر بوده است. در این راستا روابط خارجی خود را مبنی بر گسترش روابط با کردستان عراق به عنوان یکی از همسایگان که دارای مرز مشترک هستند تقویت کرده است. سیاست‌های خارجی ترکیه در سالهای اخیر نسبت به حکومت اقلیم کردستان محور اصلی این تحقیق می‌باشد و تلاش می‌شود با تشریح و تبیین ابعاد سیاست‌های ترکیه در این منطقه موضوع کردها و پیامدهای آن بر منافع جمهوری اسلامی ایران نیز مورد بررسی قرار گیرد. متأثر بودن منافع ایران از وضعیت موجود در اقلیم کردستان از مهمترین دلایل این پژوهش می‌باشد. تاثیرگذاری بسیار زیاد ایران بر اقلیم

کردستان هم از نظر همجواری و پیشینه روابط آنها از لحاظ اقتصادی جز نگرانی‌های اصلی آمریکا می‌باشد، برای همین حمایت کامل آمریکا از روابط حسنه ترکیه و اقلیم کردستان برای جلوگیری از نفوذ ایران در اقلیم کردستان و تضعیف راهبردهای سیاسی ایران در خاورمیانه از برنامه‌های اصلی آمریکا در منطقه می‌باشد. همچنین تحولات اخیر بحران سوریه و نفوذ بیشتر ایران در دولت مرکزی عراق بر این نگرانی آمریکا بیشتر افزوده است. ایران به عنوان عضوی از منطقه خاورمیانه و همسایه حکومت اقلیم کردستان نه تنها نسبت به تحولات آن منطقه نمی‌تواند بی تفاوت نباشد، بلکه باید به تدوین یک سری تصمیمات راهبردی در عرصه سیاست خارجی، از جمله سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تعامل با حکومت اقلیم کردستان جهت افزایش منافع ملی و بالا بردن توان منطقه‌ای خود اقدام نمایند. چون ترکیه علاوه بر همسایگی، یک رقیب منطقه‌ای برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و به لحاظ الگوی- حکومتی می-کوشد تا خود را آلترناتیوی برای ملل نشان دهد. (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲)

۲. قدرت منطقه‌ای

مطالعه و تبیین ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در مناطق مختلف جغرافیای کره زمین کمک موثری به آگاهی و شناخت کشورها و قدرت‌های منطقه‌ای- در بررسی سیاست‌های فرامرزی آنها می‌کند. (افشردی، مدنی، ۱۳۸۷)

قدرت منطقه‌ای اگر چه ظاهراً به معنی قدرتمندترین دولت در سطح منطقه یا سیستم تابعه منطقه‌ای است، اما رسیدن به چنین موقعیتی در جهان امروز مستلزم رعایت قواعد ظریفی است که ریشه در اهمیت یافتن قدرت نرم دارد. تثبیت موقعیت هر دولت مدعی رهبری منطقه مستلزم پذیرش این نقش نه فقط از سوی دولت‌های منطقه، بلکه سایر بازیگران فرا- منطقه‌ای ذی نفوذ در منطقه است. کمک به تثبیت امنیت منطقه و فعالیت در راستای رونق دهی به فرایند رشد و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه، دو نمونه از کارکردهای مهمی است که هر دولت مدعی رهبری منطقه ملزم به در دستور کار قرار دادن آنهاست. قدرت منطقه‌ای باید مروج و حامی اصول، قواعد و هنجارهایی باشد که هم در سطح منطقه مقبولیت دارند و هم در سطح سیستم بین‌الملل، متعارف شمرده می‌شوند. قدرت‌های منطقه‌ای قطبیت یک ناحیه منطقه‌ای را شکل می‌دهند. معمولاً، قدرت‌های منطقه‌ای دارای توانمندی‌هایی هستند که در منطقه مهم است، اما دارای توانمندی‌هایی در مقیاس جهانی نیستند. در تعریف‌های

قدرت منطقه‌ای اندکی تضاد وجود دارد. کنسرسیوم اروپایی برای پژوهش‌های سیاسی، یک قدرت منطقه‌ای را به عنوان "یک دولت متعلق به یک ناحیه تعریف شده از نظر جغرافیایی که از نظر اقتصادی و نظامی بر این منطقه حاکم است، قادر به اعمال نفوذ مسلط در منطقه و نفوذ قابل توجهی در مقیاس جهانی است، مایل به استفاده از منابع قدرت است و توسط همسایگان خود به عنوان رهبر منطقه‌ای به رسمیت شناخته یا حتی پذیرفته شده" تعریف می‌شود.

موسسه مطالعات جهانی و منطقه‌ای بیان می‌کند که یک قدرت منطقه‌ای باید:

✓ بخشی از یک منطقه قابل تعریف را با هویت خود تشکیل دهد- ادعا کند که یک قدرت منطقه‌ای است (تصویر خود در یک قدرت منطقه‌ای) - نفوذ قاطعی بر گستره جغرافیایی منطقه و همچنین ساختار ایدئولوژیک خود داشته باشد - دارای توانمندی‌های نسبتاً بالایی در ارتش، اقتصاد، جمعیت شناختی، امور سیاسی و ایدئولوژیکی باشد - به خوبی در منطقه یکپارچه شده باشد - وظایف امنیت منطقه‌ای را تا حد بالایی در دستور کار خود تعریف کند - به عنوان یک قدرت منطقه‌ای نزد قدرت‌های دیگر در منطقه و فراتر از آن و به ویژه نزد دیگر قدرت‌های منطقه‌ای اعتبار داشته باشد - دارای ارتباط خوبی با مجامع منطقه‌ای و جهانی باشد. (قنبرلو، عبدالله ۱۳۸۸)

۳. روابط سیاسی ترکیه و اقلیم کردستان

مناسبات ترکیه با اقلیم کردستان از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶، دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است به نوعی که رفتار ترکیه در برقراری مناسبات با این منطقه، در ابتدا انکار تمامیت وجودی آن بود. اما به مرور و با رسمیت یافتن حکومت اقلیم کردستان در چارچوب قانون اساسی عراق، کشف ذخایر عمده نفت و گاز و در این منطقه و پیش‌گیری سیاست تنش صفر با همسایگان از جانب ترکیه، باعث شد که نگرش ترکیه به اقلیم کردستان تغییر کند. در اینجا به بررسی پیشینه روابط ترکیه با این منطقه از عراق خواهیم پرداخت و برای این منظور، رویکرد ترکیه در خصوص اقلیم کردستان، در دو بازه زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۷ و از ۲۰۰۷ تا (۲۰۱۶) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- دوره اول از ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۷ (دوره تهدید و انکار اقلیم کردستان)

سال‌های پس از انتفاضه (راپه‌رین) ۱۹۹۱ در کردستان عراق، سرآغاز ورود ترکیه به اقلیم کردستان بود. در این زمان، این مسئله که عراق از یک حکومت مرکزی قوی به

حکومتی تبدیل شد که توانایی اعمال نفوذ بر تمامی محدوده سرزمینی خود را نداشت، موجب نگرانی ترکیه بود، اما در حین حال عاملی بود تا رویای ترکیه برای تسلط بر ولایت موصل دوباره احیا کند. (عزیز، ۲۰۱۵: ۱۰۷)

تورگوت اوزال رئیس‌جمهور فقید ترکیه، پس از بحران خلیج فارس (۱۹۹۱) اعلام کرد که بعد از این همه تحولات، خاورمیانه دیگر نمی‌تواند مثل سابق باشد و نقشه جغرافیایی و موازنه سیاسی تغییر خواهد کرد. منظور وی از تغییر نقشه سیاسی منطقه، تغییر مرزهای عراق و ترکیه به سود آن کشور بود. پس از وی سلیمان دمیرل در سال ۱۹۹۵ ادعا نمود که استان نفت‌خیز موصل هنوز متعلق به ترکیه است، چرا که در پیمان ۱۹۲۳ لوزان که کشور ترکیه به رسمیت شناخته شده است، بندی وجود ندارد که حاکی از پیوستن موصل به خاک عراق باشد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۸۵) ترکیه از سال ۱۹۹۱ با سه نگرانی عمده روبرو بوده است: اول؛ تشکیل حکومت خودگردان در کردستان عراق که بر کردهای ترکیه تأثیرگذار خواهد بود. دوم؛ شرایط خاص ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا که این کشور را ملزم می‌کرد تا وضعیت کردها و دموکراسی را بهبود بخشد. سوم؛ نیروهای پ.ک.ک با استفاده از خلأ قدرت به وجود آمده در شمال عراق، وجود خود را در آن منطقه به اثبات برساندند. دولت ترکیه در مقابل این تحولات از همان ابتدا سیاستی را به منظور نفوذ در احزاب کردی شمال عراق، جهت کنترل و محدود کردن حزب کارگران کردستان در پیش گرفت. ترکیه در طول دهه ۱۹۹۰، خود را در موقعیتی می‌دید که در مقابل حمایت آمریکا از کردهای عراق بی‌اختیار است و در عین حال، این مسئله را تهدیدی برای امنیت ملی خود به حساب می‌آورد و شمال عراق را به عنوان یک مسئله مربوط به امنیت ملی خود در نظر می‌گرفت، به همین علت در ماه اوت ۱۹۹۱، نیروهای زمینی و هوایی ترکیه به بهانه مبارزه با نیروهای پ.ک.ک به شمال عراق حمله کردند. این حملات با شک و تردید از سوی کشورهای دیگر مواجه شد، چون آنها اظهار می‌داشتند که استفاده ترکیه از نیروهای نظامی با این حجم زیاد، به هیچ وجه تناسبی با سرکوب چند چریک ندارد و ترکیه در پی مقاصد دیگری است که آن‌ها را در پوشش سرکوب کردها دنبال می‌کند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴، به نقل از درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۵۲) دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳، به دلیل مخالفت پارلمان، در حمله آمریکا به عراق اجازه استفاده از پایگاه‌های نظامی‌اش را به آن کشور نداد. مخالفت ترکیه با حمله نظامی آمریکا به عراق و تغییر آن رژیم باعث شد که معادله شمال عراق و نیروهای پ.ک.ک، برای ترکیه پیچیده‌تر از قبل گردد. چون با

سقوط رژیم صدام حسین، کردها با حمایت‌های ایالات متحده و استفاده از تجربیات چند ساله حکومت خود، به نحو مطلوبی در صحنه سیاسی ظاهر و نقش فعالی به خود گرفتند. همواره یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت روابط بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان عراق مسئله مربوط به کردستان ترکیه بود. ترکیه می‌خواست با اعمال فشار بر حکومت اقلیم کردستان، نیروهای پ.ک.ک را خلع سلاح و آنها را از اقلیم کردستان اخراج کند، ولی به دلیل حساسیت مردم کردستان، حکومت اقلیم تمایلی به استفاده از نیروی نظامی نداشت. با شدت گرفتن حملات پ.ک.ک در تابستان ۲۰۰، ترکیه اقلیم کردستان را به حمله نظامی تهدید کرد. در همین راستا، حکومت اقلیم کردستان نیز در پاسخ به حمله نظامی احتمالی ترکیه، به طور غیرمستقیم آن کشور را به تشویق قیام کردهای جنوب شرقی ترکیه تهدید کرد. مسعود بارزانی ضمن هشدار این نکته که حمله به معنای جنگ است، خواستار یک راه‌حل دیپلماتیک و مذاکرات مستقیم شد، اما آنکارا بر روی ارتباط با بغداد پافشاری می‌کرد. (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۵) ترکیه برای توجیه دخالت‌های خود در اقلیم کردستان مسائل مختلفی را ذکر می‌کرد، از جمله: حضور پ.ک.ک در اقلیم کردستان که از آنجا حملات خود را به داخل خاک ترکیه انجام می‌دادند، دومین مسئله، وجود توافقنامه امنیتی میان ترکیه، عراق و ایران است، اشاره ترکیه به پیمان «سعادت‌آباد» میان سه کشور مذکور در سال ۱۹۳۷ بود، سومین عامل، نقض حقوق ترکمن‌ها در شمال عراق بود، ترکیه به این بهانه، ترکمن‌های کرکوک را برای پیگیری منافع خود در عراق و اقلیم کردستان به کار می‌گرفت. (رهیم قادر و عهلی صالح، ۲۰۱۰: ۱۲۵-۱۲۱)

در این دوره ترکیه با دید امنیتی به اقلیم کردستان و برقراری مناسبات با آن منطقه نگاه می‌کرد، ترکیه با نگرانی شدید از تحولات موجود در شمال عراق، مخالفت جدی خود را با استقرار سیستم فدرالیسم در عراق اعلام داشت. چرا که ترکیه از قدرت‌گیری کردهای عراقی و تأثیر آن بر استان‌های نوزده‌گانه کردنشین خود نگرانی جدی داشت. حتی در سال ۲۰۰۳ که کردها قصد تصرف شهر مهم و استراتژیک کرکوک را داشتند ترکیه هم از طریق وارد ساختن فشار به آمریکا و هم از طریق اعلام تهدید رسمی حمله نظامی، از جمله موانع دستیابی کردها به این شهر و الحاق آن به حکومت اقلیم کردستان شدند. همچنین این کشور تهدید می‌کرد که اگر به کردها منطقه فدرالی داده شود ترکمن‌های عراقی نیز باید

از امتیازی مشابه برخوردار شوند. آنها یک‌بار دیگر در سال ۲۰۰۷ تهدیدات نظامی خود علیه کردهای عراق و طرح ادعای مالکیت شهر کرکوک را مطرح ساختند.

در طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۷ آنچه بیشتر توجه ترکیه را به اقلیم کردستان جلب کرد، اهمیت آن منطقه از نظر ذخایر نفتی بود. موصل و کرکوک از مهم‌ترین میادین نفتی خاورمیانه هستند. ترکیه برای حفظ رشد و توسعه اقتصادی خود، در طی این دوره نیز اولویت اصلی خود را در بخش سرمایه‌گذاری معطوف به حوزه انرژی کرده بود. بنابراین توجه زیادی به منابع شمال عراق (اقلیم کردستان) داشت. چنانکه ناسیونالیست‌های ترکیه می‌گفتند: «تا کی فرزندان ما در کشورهای اروپایی به رفتگری و کارگری مشغول باشند؟ اگر موصل در اختیار ترکیه باشد نیاز نفتی ما حل خواهد شد و دیگر لازم نخواهد بود کل درآمدهای حاصل از صادراتمان را برای خرید نفت هزینه کنیم». (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶)

بنابراین در طی این دوره نگاه ترکیه همواره به منابع غنی انرژی این منطقه بود و با آشفته شدن اوضاع داخلی عراق (مخصوصاً در شمال) ترکیه زمینه را برای تحقق آرزوی دیرینه خود مبنی بر تسلط بر ایالت موصل (کردستان عراق) مناسب دید و برای دستیابی به آن در چندین مورد اقلیم کردستان را به حمله نظامی تهدید کرد.

۳-۲- دوره دوم از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ (دوره گسترش مناسبات)

ترکیه پس از سال ۲۰۰۷ با تغییر در سیاست خود نسبت به حکومت اقلیم کردستان زمینه‌ساز شروع روابط، ملاقات مقامات در سطح عالی و افتتاح کنسولگری ترکیه در اربیل شد. در جریان افتتاح کنسولگری ترکیه در اربیل احمد داوود اوغلو اظهار داشت: ما می‌خواهیم همکاری بین ترکیه و حکومت اقلیم توسعه یابد، چون ما دروازه شمال عراق به اروپا و اربیل دروازه ما به بصره است. سفرهایی که مقامات ترکیه به اقلیم کردستان داشتند، نشان داد که این منطقه برای ترکیه در جهت اجرای بخشی از سیاست خارجی داوود اوغلو در زمینه صفر کردن مشکلات با همسایگان بسیار مهم است. (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

در سال ۲۰۰۷ تهدیدات مقامات ترک علیه داعیه کردهای عراق نسبت به کرکوک، با پاسخ تند «مسعود بارزانی» رهبر حکومت اقلیم کردستان مواجه شد. در این زمان روابط طرفین در اوج تنش سیاسی قرار داشت. اما اندکی پس از آن، شاهد تغییر رفتار و گفتار دو طرف نسبت به یکدیگر هستیم که این مهم را عمدتاً باید ناشی از سیاست‌های اتخاذی احمد داود اوغلو (وزیر خارجه پیشین و نخست‌وزیر کنونی) و طراح اصلی سیاست‌های منطقه‌ای و خارجی ترکیه دانست.

سفرهای متعدد وی به اقلیم کردستان به نوعی حاکی از به رسمیت شناختن این منطقه از سوی آنکارا بود. سفرهای مقامات بلندپایه کرد از جمله جلال طالبانی، مسعود بارزانی و هوشیار زیباری نیز نشانگر اشتیاق کردها برای گسترش روابط بود، سفر رجب طیب اردوغان به اقلیم کردستان در ۲۰۰۹، نقطه اوج روابط دوستانه و رو به گسترش طرفین را به خوبی نشان می‌دهد. از اواسط سال ۲۰۰۸ ادبیات دیپلماتیک مقامات ترکیه در قبال پرونده تعیین سرنوشت کرکوک ملایم‌تر شده است و در برهه‌هایی از زمان به طور غیرصریحی از عدم مخالفت خود با سیطره کردها بر شهر کرکوک، در داخل یک مجموعه تعهدات و شروط متقابل صحبت نموده‌اند.

ترکیه به این واقعیت پی برد که باید سیاست و رویه خود نسبت به اقلیم کردستان را بدون توجه به تاریخ پرتنش خود با این منطقه، تغییر دهد و دیپلماسی را جایگزین سیاست‌های تنش‌زا نماید. نفوذ در اقلیم کردستان یکی از مواردی است که در راستای سیاست تنش صفر با همسایگان و دکتترین عمق استراتژیک، مورد توجه حزب حاکم (عدالت و توسعه) است. سفر مقامات ترکیه از جمله رجب طیب اردوغان به عنوان نخست‌وزیر و احمد داود اغلو به عنوان وزیر خارجه، به اقلیم کردستان نشان از تغییر جدی نگرش ترکیه به حکومت اقلیم کردستان داشت. با سفر اردوغان در ۲۰۰۹ به عنوان اولین نخست‌وزیر ترکیه به اقلیم کردستان، توسعه روابط اقتصادی دوجانبه میان آنان به اوج خود رسید. با توجه به برخی از آمارها ۸۰ درصد مواد غذایی و پوشاک موجود در اقلیم کردستان از ترکیه وارد می‌شود، حجم تجارت بین ترکیه و عراق در سال ۲۰۱۱ به نزدیک ۹ میلیارد دلار رسید و این روند رو به رشد همچنان ادامه دارد. (عزیز، ۲۰۱۵: ۲۸۵-۲۸۴)

طی سال‌های بعد از ۲۰۰۷ شاهد تغییر سیاست خارجی ترکیه در قبال حکومت اقلیم کردستان بودیم. ترکیه بنا به دلایلی درصدد است تا با برقراری روابط دوستانه با حکومت این منطقه به نیازها و منافع داخلی و خارجی خود پاسخ دهد. منافی که به طور کلی می‌توان آنها را به دو دسته اقتصادی و امنیتی تقسیم کرد. پروسه توسعه روابط راهبردی و استراتژیک ترکیه و حکومت اقلیم کردستان به خصوص پس از انتخابات پارلمانی عراق در مارس ۲۰۱۰ شتاب بیشتری به خود گرفت. (بهرامی، ۱۳۹۱) روابط ترکیه با دولت عراق از سال ۲۰۱۱ به بعد به دلیل یک سری تنش‌ها، از جمله دخالت در وضعیت عراق و یا کمک به فروش نفت اقلیم کردستان، از روند عادی خود خارج شد، نوری المالکی نخست‌وزیر (پیشین)

عراق به صراحت در اظهاراتی دولت ترکیه را به مداخله در امور داخلی عراق متهم کرد. به همین علت از یک سو با توجه به سهیم بودن کردها در عرصه سیاسی عراق و در اختیار داشتن پست-های کلیدی و از سوی دیگر سابقه روابط با کردها در طی دو دهه گذشته، مقامات ترکیه به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین عامل برای نفوذ و ایجاد توازن در مقابل حکومت مرکزی عراق، کردها می‌باشند. گرچه ترکیه در انتخابات سال ۲۰۱۰ از ائتلاف احزاب سنی به رهبری ایاد علاوی حمایت کرد، ولی در حال حاضر به این نتیجه رسیده است که کردها شانس بیش‌تری برای موفقیت دارند، چون دارای قدرت نفوذ بالایی هستند و از یک بازیگر کوچک منطقه‌ای به یک بازیگر قوی در عرصه ژئوپلیتیک تبدیل شده‌اند. (درویشی و محمدیان، ۱۳۹۲: ۱۵۸)

مناسبات اقلیم کردستان و ترکیه، پس از سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. در این دوره میان این دو طرف یک قرارداد پنجاه ساله در حوزه انرژی امضا شده است که به گفته نچيروان بارزانی قابل تمدید نیز می‌باشد. در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ ترکیه همواره در زمینه استخراج و صادرات و فروش نفت، به اقلیم کردستان کمک کرده است. تا جایی که در سال ۲۰۱۴ اولین خط لوله مستقل صادرات نفت اقلیم کردستان به ترکیه افتتاح شد و از آن زمان به بعد اقلیم کردستان قسمت عمده نفت خود را از طریق این خط لوله و به صورت مستقل صادر می‌کند. علاوه بر همکاری و تعاملات ترکیه و اقلیم کردستان در حوزه انرژی، شاهد همکاری و مراودات اقتصادی و بازرگانی میان دو طرف هستیم. اقلیم کردستان اکثر نیازهای داخلی خود در زمینه مواد غذایی، پوشاک، ساخت و ساز و ... را از طریق ترکیه تأمین می‌کند. تاکنون (۲۰۱۶) بیش از ۱۳۰۰ شرکت ترکیه‌ای در زمینه‌های مختلف، در اقلیم کردستان مشغول به فعالیت هستند و این روند رو به افزایش است. (عزیز، ۲۰۱۵: ۲۸۷-۲۸۶)

در دوره (۲۰۰۷-۲۰۱۶)، عوامل مختلفی دست به دست هم دادند تا ترکیه نه تنها از مخالفت‌ها و روابط سرد خود با حکومت اقلیم کردستان دست بکشد، بلکه در قامت یک دوست و حتی شریک و متحد منطقه‌ای کردها عمل کند. علت حمایت ترکیه از اقلیم کردستان را می‌توان در تثبیت واقعیتهای بنام حکومت اقلیم کردستان عراق، استفاده از کردهای عراق برای کاستن از سطح تنش با کردهای ترکیه و وارد ساختن فشار به پ.ک.ک، منابع غنی نفتی موجود در اقلیم کردستان، تثبیت قدرت شیعیان در بغداد و در حاشیه قرار گرفتن متحدین سنی ترکیه، بهم خوردن موازنه منطقه‌ای به نفع ایران با روی کار آمدن دولتی شیعی در بغداد، رقابت با ایران در شمال عراق و ... دانست.

اوضاع دشوار انرژی ترکیه در این دوره، محرک قابل توجهی برای تقویت روابط خود با اقلیم کردستان بود. با این حال این گسترش روابط با اقلیم کردستان باعث به هم خوردن رابطه طولانی مدت ترکیه با بغداد شد. در سال ۲۰۱۲ ایران و عراق بیش از نیمی از نیاز ترکیه به نفت، و روسیه و ایران حدود سه چهارم نیاز ترکیه به گاز طبیعی را تأمین کرده‌اند. بنابراین ترکیه به دنبال تنوع بخشیدن به کشورهای تأمین کننده انرژی خود است (Borroz, 2014. 2) و در راستای این اهداف تلاش کرد تا از وجود منابع انرژی این منطقه استفاده کند، لذا در حوزه نفت و گاز قراردادهایی را با اقلیم کردستان به امضا رساند.

۴- روابط اقتصادی ترکیه و کردستان عراق

اقتصاد هر کشوری مجموعه ویژگی‌های خاص خود را دارد، و از ویژگی‌های اصلی و قدرتمند در سیاست خارجی هر کشوری محسوب می‌شود. ترکیه و اقلیم کردستان بنا به ویژگی‌هایشان ارتباط تنگاتنگی باهم دارند - که در زیر به آنها اشاره خواهیم کرد:

ترکیه یکی از ۳۵ کشور جهان می‌باشد که درآمدهای کلان دارند، عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD اروپا و دارای اقتصاد توسعه یافته کشاورزی می‌باشد. آمار تولیدات ملی روز به روز بیشتر می‌شود. به طوری که در سال ۱۹۸۱ میلادی ۵.۳٪ بوده است. در سال ۱۹۹۰ این آمار به ۹.۷٪ بیشتر شده است مخصوصاً اثرات سیاست اقتصاد بازار آزاد تورگ اوزال که پیاده کرده بود از طریق کم کردن گمرکات، دخالت دولت را به سطح بسیار کمی آورده بود در نتیجه تولیدات و واردات به صورت چشم گیری زیاد شده بود. اقتصاد ترکیه در دهه ۹۰ میلادی افت و خیز بسیار به خود دیده به طوری که در سال ۹۸ تا ۹۰ میلادی ۹ میلیارد دلار متضرر شده بود. چون بیشترین واردات ترکیه نفت بوده است که کانون اصلی درآمدهای عراق بوده است. در سال ۱۹۸۵ روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت که برای هر بشکه ۳۵ سنت دلار امریکای حق العمل می‌گرفتند و طبق قرار داد اجازه ۴۰٪ استفاده از این نفت صادراتی برای دخل و خرج داخلی خودش با قیمت روزانه نفت را داشتند. ارتباط اقتصادی بین عراق و ترکیه طی این سالها بر اثر تصمیمات سازمان ملل علیه عراق که به دلیل حمله عراق به کویت قطع شد و تحریم‌های سنگینی علیه این کشور تصویب گردید. به همین دلیل ارتباط اقتصادی و صادرات، واردات ترکیه و عراق به ۱۰.۴٪ کم شده بود که این میزان در سالهای ۹۰ تا ۹۲ میلادی به ۰٪ رسید. (هیرش عبدالله، ۲۰۰۸: ۹۳)

کشور عراق که در سال ۱۹۹۰ از طرف سازمان ملل تحریم شد بزرگترین تأثیرات منفی اقتصادی به خود دید. اقلیم کردستان نیز مثل تمام خاک عراق تحت تأثیر تحریم‌های اقتصادی بوده است. کم شدن مواد خوراکی لازم برای اقلیم کردستان بزرگترین مشکل در آن سالها بوده است. همزمان با اعلام خودمختاری از سوی سران اقلیم کردستان نیز کشور عراق اقلیم کردستان را نیز مورد تحریم‌های اقتصادی قرار داد و تنها هدف از این تحریم‌های اقتصادی همچنان که صدام حسین اعلام کردند برای ناراضایتی مردم کردستان عراق علیه سران وقت کردستان بوده است، حکومت عراق توانست مشکلات اقتصادی زیادی برای اقلیم کردستان درست کند. همچنین با برگشت اسکناس ۲۵ دیناری که نزدیک به ۲۰ میلیون دلار به اقتصاد اقلیم کردستان ضرر مالی دادند این در حالی است که خاک اقلیم کردستان مثل تمام خاک عراق تحت تحریم‌های بین‌المللی بوده است. به طوری که میزان تورم در استان سلیمانیه سال ۱۹۹۴ به ۳۴٪ و در سال ۱۹۹۸ به ۶۵٪ رسیده. همچنین مشکل بیکاری نیز گریبان‌گیر اقلیم کردستان بوده تا اندازه‌ای که در همان سالها نرخ بیکاری به ۳۵٪ رسیده است. پس میتوان گفت این منطقه تحت تأثیر دو تحریم بزرگ اقتصادی بوده است. لذا پایه‌های اقتصادی کردستان شکسته شده بود. در آن سالها تولیدات کشاورزی کاملاً به صورت سنتی روستای بوده که در بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۸ بیش از ۱۳۴۷ روستا در سلیمانیه، ۷۶۸ روستا در استان اربیل و ۵۶۷ روستا در استان دهوک ویران شده‌اند همچنین مردم ساکن در روستاها را بیرون رانده‌اند، چرخه تولیدی در این شرایط بسیار ضعیف و ناکارآمد شده بود بطوری که در سال ۱۹۶۸ کارگاه تولید سیمان تا سوجه سلیمانیه از ۲ میلیون تن در سال به ۳۸۴ تن در سال ۱۹۹۲ رسیده بود. در مقابل کاهش تولیدات اقتصادی-صنعت کشاورزی فلج شده، تنها منبع اقلیم کردستان درآمد حاصل از گمرکات بوده است و گمرک کالاهای که از ایران و ترکیه و عراق وارد خاک اقلیم کردستان می‌شد شامل می‌شود. که بیشترین درآمدها از راه خاک ترکیه بوده است. ارتباط اقتصادی بین ترکیه و اقلیم کردستان یک حالت رسمی به خود گرفته بود به طوری که بازرگانان اقلیم کردستان می‌توانستند هر نوع کالایی از ترکیه بیاورند، به شرط آنکه قبلاً فرم صادرات، واردات از طرف حکومت برای آن صادر شده باشد. این در حالی است که بین حکومت اقلیم و ایران همچنین ارتباطی وجود نداشت و تعهداتی چندانی در این شرایط به اقلیم نداشتند. بازرگانان بین اقلیم و ترکیه روز به روز در حال پیشرفت بودند به طوری که در سال ۱۹۹۳ تنها ۲۳۱ بازرگان مجوز داشتند که این در سال ۱۹۹۸ به ۱۳۷۵ بازرگان

رسیدند. که تمامی این تعاملات اقتصادی از طریق مرز ابراهیم خلیل بوده است. که یک هیئت کنگره امریکا درآمد روزانه این گمرک مرزی تا از ۱ تا ۲ میلیون دلار در سال ۱۹۹۹ برآورد کرده‌اند. (هیرش عبدالله، ۲۰۰۸: ۹۳) ترکیه تا سال ۲۰۰۵ حضور و تحرکی در اقلیم کردستان نداشت ولی از این تاریخ سرمایه‌گذاران ترک وارد شمال عراق شده، به طوری که در حال حاضر بیشترین سرمایه‌گذاری در کردستان عراق متعلق به شرکت‌های ترک بوده و هر روز به فعالیت آنها افزوده می‌شود. پس از بهبود رابطه اقتصادی، رابطه سیاسی وارد مرحله جدیدی گردید. سفر ۲۰۰۹ احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه به اقلیم کردستان سرفصل روابط جدید طرفین بشمار می‌رود. به دنبال این سفر کنسولگری ترکیه در اربیل افتتاح گردید. پس از آن اردوغان و عبدالله گل نیز از شمال عراق دیدار بعمل آورده و در مقابل مقامات اقلیم کردستان نیز بارها به آنکارا سفر کردند. تغییر شکل روابط بگونه‌ای است که مسعود بارزانی در قامت رئیس اقلیم کردستان، یکی از میهمانان ویژه کنگره حزب عدالت و توسعه ترکیه در سپتامبر ۲۰۱۲ بود. (www.makhaterltakfir.com)

در سال ۲۰۱۳ ارزش مبادلات اقتصادی بین اقلیم کردستان و ترکیه ۱۲ میلیارد دلار بود اما اکنون به دلیل بحران اقتصادی در اقلیم کردستان این مبلغ به ۸ میلیارد دلار کاهش یافته است، با این وجود ۱۳۵۱ شرکت ترکیه‌ای در اقلیم کردستان عراق فعالیت دارند. گزارش کورد هوال به نقل از شبکه روداو تی وی حاکیست: ترکیه به تنهایی ۳۷ درصد از کل معاملات اقتصادی و بازرگانی با اقلیم کردستان عراق را در اختیار دارد، بگونه‌ای که ۵.۹ درصد از کل صادرات ترکیه به عراق و اقلیم کردستان اختصاص دارد. بر اساس این گزارش به دلیل بحران اقتصادی، اقلیم کردستان برای دریافت وام به ترکیه روی آورد و در مرحله اول ۵۰۰ میلیون دلار وام بدون بهره دریافت کرد اما این وام مشکلی را حل نکرد. در مرحله دوم ترکیه ۵۰۰ میلیون دلار وام با سود ۵ و ۶ درصد به اقلیم پرداخت کرد. سپس وامی دیگر به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار با همان سود قبلی به اقلیم پرداخت شد که در مجموع و در حال حاضر اقلیم کردستان یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون دلار (بدون در نظر گرفتن سود) به ترکیه بدهکار است. هم اکنون ۱۳۵۱ شرکت ترکیه‌ای در زمینه‌های بازرگانی، صنعت، حمل و نقل، تولید و الکترونیک در اقلیم کردستان عراق فعالیت می‌کنند که از مهمترین آنها بحث انرژی است. اقلیم کردستان قراردادی ۵۰ ساله با ترکیه منعقد کرده که براساس آن تا ۵۰ سال دیگر باید نفت اقلیم به ترکیه صادر شود و برای گاز طبیعی هم قراردادی به مدت ۲۶ سال منعقد شده است.

حکومت اقلیم کردستان روزانه ۵۵۰ هزار بشکه نفت به بندر جیحان ترکیه صادر می‌کند. پیش بینی می‌شود از سال ۲۰۱۸ به بعد هم روزانه اقلیم کردستان عراق ۱۰ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر کند. پیش بینی می‌شود این مقدار در سال ۲۰۲۲ به ۲۰ میلیارد متر مکعب افزایش یابد. (www.berlin.mfa.ir)

۴.۱. روند نزولی مبادلات تجاری اقلیم کردستان عراق با ترکیه

کاهش قیمت نفت و بحران مالی، ادامه جنگ با داعش و اختلافات اربیل با دولت مرکزی عراق کاهش حجم روابط تجاری اقلیم کردستان با ترکیه را در پی داشته است. از مجموع حجم ۱۲ میلیارد دلاری مبادلات تجاری عراق و ترکیه در سال ۲۰۱۳، ۸ میلیارد دلار آن به مبادلات اربیل - آنکارا اختصاص داشته و اقلیم به بازار مصرف محصولات ترک تبدیل شده بود، البته این وضعیت مربوط به قبل از بحران مالی اقلیم بود. اقدام دولت مرکزی عراق در وضع مالیات بر کالاهای وارداتی از کردستان به سایر مناطق عراق حجم واردات کالا از ترکیه را کاهش داده است. بنا بر آمار وزارت تجارت و صنعت اقلیم کردستان، واردات اقلیم از ترکیه به میزان یک چهارم کاهش یافته و در سال ۲۰۱۶ به ۳/۳ میلیارد دلار رسید در حالی که این رقم در سال ۲۰۱۵ ۴/۲ میلیارد دلار بود. حرکت آزاد کالا میان کردستان عراق و سایر مناطق این کشور در ژوئن سال ۲۰۱۶ بعد از اینکه مقامات بغداد ایستگاه‌های گمرکی را در بزرگراه‌ها ایجاد کردند و برای کامیون‌هایی که حامل محصولات وارداتی به جنوب و مرکز عراق بودند عوارض وضع کردند محدود شد. کالاهای ترکی ۵۶ درصد مجموع واردات کردستان عراق را تشکیل می‌دهند و کاهش حجم مبادلات با ترکیه اثر منفی بر مجموع تجارت کردستان داشته است. بغداد اربیل را به محروم کردن دولت مرکزی از درآمدهای دروازه مرزی ابراهیم خلیل با ترکیه متهم کرده است، اما دولت اقلیم آن را رد کرده و معتقد است این امر خلاف قانون اساسی می‌باشد و طبق قانون درآمدهای مرزی با ترکیه و ایران متعلق به اقلیم است.

شرکت‌های ترک از سال ۲۰۰۷ بر روی مجاورت و نزدیکی بازار عراق و تقاضای مصرف آن سرمایه گذاری کردند. صادرات ترکیه به اقلیم کردستان در سال ۲۰۰۷ رقم ۱/۴ میلیارد دلار و بنا به آمار دیگری ۳/۵ - ۲/۸ میلیارد دلار ثبت شد که اقلیم را در جایگاه نوزدهمین بازار صادراتی ترکیه قرار می‌داد. در سال ۲۰۱۱ اقلیم با واردات ۵/۱ میلیارد دلاری، ششمین بازار صادراتی ترکیه شد و در سال ۲۰۱۳ که واردات اقلیم از ترکیه به ۸ میلیارد رسید به سومین

بازار صادراتی ترکیه تبدیل شد. اما در دوره بعد از حمله داعش و کاهش قیمت نفت در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی واردات اقلیم از ترکیه به ترتیب به ۴/۲ میلیارد و ۳/۳ میلیارد دلار کاهش یافت. در مقابل صادرات عراق به ترکیه بجز نفت و گاز و با احتساب صادرات کردستان از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ بسیار ناچیز و رقمی بین ۸۷ تا ۱۵۳ میلیون دلار بوده است. در دوره ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۶ میلادی این رقم ماهیانه بطور میانگین ۳۹ میلیون و ۸۳۰ هزار دلار بود که بیشترین آن در ژوئن ۲۰۱۶ (خرداد- تیر ۹۵) ۱۴۷ میلیون و ۲۷۰ هزار دلار بوده است و کمترین میزان نیز در اگوست ۲۰۱۵ (مرداد- شهریور ۹۴) با ۱۲ میلیون و ۸۶۰ دلار ثبت شد. در سال ۲۰۱۲ در هر ماه ۲۵ شرکت جدید ترک کار خود را در اقلیم شروع کرده‌اند و بیش از نیمی از شرکت‌های خارجی ثبت شده در اقلیم ترک بودند. در سال ۲۰۱۳ تعداد این شرکتها به ۱۵۰۰ افزایش یافت. در ژانویه ۲۰۱۳ وزارت گمرکات ترکیه اعلام کرد ۷۵ درصد از ۱۲ میلیارد دلار مبادلات تجاری ترکیه و عراق مربوط به اقلیم کردستان میباشد و نیمی از مجموع شرکت‌های خارجی فعال در کردستان عراق ترک هستند که تعدادشان به ۱۰۸۵ شرکت می‌رسد. در ماه مارس ۲۰۱۶ سرکنسول ترکیه در اقلیم در ملاقات با بایز طالبانی وزیر دارایی و اقتصاد اقلیم کردستان، تعداد شرکت‌های ترک که در منطقه فعال هستند را ۱۳۰۰ شرکت عنوان کرد. قابل ذکر است که تعداد ۵۰ شرکت خارجی در زمینه نفت و گاز فعالیت دارند از جمله دی ان او نروژ، اکسون موبیل و شورون آمریکا، گازپروم روسیه، شل انگلیس، جنرال انرژی ترکیه و توتال فرانسه که انعقاد قرارداد با همه آنها مورد انتقاد و مخالفت دولت مرکزی در بغداد می باشد. (www.canberra.mfa.ir)

۵. جایگاه انرژی (نفت و گاز) در روابط ترکیه با اقلیم کردستان

عوامل و متغیرهای گوناگونی نظیر متغیر انرژی (نفت و گاز)، کردهای ترکیه و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) و رقابت و قطب بندی‌های منطقه‌ای بین ترکیه و ایران در برقراری مناسبات ترکیه با اقلیم کردستان بعد از سال ۲۰۰۷ تأثیرگذار بوده‌اند و هر یک از دو طرف در ارزیابی متغیرهای تأثیرگذار بر روابط دوجانبه، اهداف و منافع خود را تعقیب می‌کنند. در این میان انرژی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار (از نظر نگارنده) در برقراری و گسترش مناسبات ترکیه با اقلیم کردستان، لحاظ خواهد شد. ترکیه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش بین حوزه‌های انرژی و بازار مصرف قرار گرفته است و به پلی

مابین حوزه منابع انرژی و بازار مصرف تبدیل شده است. ترکیه در نظر دارد در تأمین امنیت انرژی اتحادیه اروپا نقش اساسی ایفا کند و تلاش می‌کند تا مرکز ترانزیت انرژی نفت و گاز خاورمیانه و قفقاز به اروپا و بازارهای جهانی باشد. طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در حدود ۳/۷ درصد از نفت مصرفی جهان از کانال‌های ترکیه منتقل می‌شود. (Cagapay, 2015: 3) معاملات ترکیه با حکومت اقلیم کردستان، بر اساس رویکرد دیپلماسی گاز طبیعی و سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. این منطقه با ذخایر گاز طبیعی فراوان، پتانسیل این را دارد که در تلاش‌های ترکیه برای تبدیل شدن به یک کشور ترانزیت انرژی نقش مهمی بازی کند. (Tunçalp, 2015)

اوضاع دشوار انرژی ترکیه محرک قابل توجهی برای تقویت روابط خود با اقلیم کردستان است. با این حال این گسترش روابط با اقلیم کردستان باعث به هم خوردن رابطه طولانی مدت ترکیه با بغداد شد. اقلیم کردستان در پی دستیابی به استقلال از بغداد در صادرات نفت به ترکیه است. گسترش مناسبات ترکیه با اقلیم کردستان، در حوزه انرژی به ترکیه احساس امنیت می‌دهد، به دلیل اینکه اقلیم کردستان دارای منابع کافی و فراوان نفت و گاز است و از سایر مناطق عراق امن‌تر و باثبات‌تر می‌باشد. برای حکومت اقلیم کردستان، شروع صادرات مستقل نفت قسمتی از تلاش‌هایش برای نشان دادن پتانسیل اقلیم کردستان در زمینه تولید و صادرات بلندمدت نفت، به شرکت‌های بزرگ نفتی است. (bonfild, 2014: 2) ترکیه به دنبال این است که از راه سیاست نفت و گاز (انرژی)، نه تنها توانایی اقلیم کردستان را در مقابل بغداد افزایش دهد، بلکه به نوعی یک وابستگی متقابل بین ترکیه و اقلیم کردستان ایجاد کند به صورتی که هر دو طرف به یکدیگر نیازمند باشند. این نگاه و رویکرد، نظر یکی از سیاست‌گذاران حزب عدالت و توسعه است. در مقابل هدف کردها، استقلال در حوزه اقتصاد و صادرات انرژی از بغداد و همچنین خروج از محدودیت جغرافیایی و دستیابی به بازارهای جهانی بود. بنابراین دو طرف بر سر صادرات نفت و گاز اقلیم کردستان به توافقی رسیدند که منافع هر دو را تأمین می‌کرد. به این صورت که ترکیه با خرید نفت و گاز اقلیم کردستان و فراهم کردن زمینه صادرات آن به بازارهای جهانی، بخشی از نیاز انرژی خود را تأمین می‌کرد و اقلیم کردستان نیز با فروش و صادرات نفت و گاز خود به ترکیه زمینه استقلال اقتصادی از بغداد و خروج از محدودیت جغرافیایی و تعامل با جامعه بین‌المللی را فراهم کرد. وجود اختلافات اخیر

بین روسیه و ترکیه امکان تقویت بیشتر مناسبات انرژی ترکیه با حکومت اقلیم کردستان را افزایش می‌دهد.

۶. تاثیر روابط ترکیه بر قدرت منطقه‌ای ایران

با وجود چالش‌ها و محدودیت‌های بسیار چه در عرصه خارجی و چه در عرصه منطقه‌ای دستیابی ایران به جایگاه نخست منطقه‌ای دور از دسترس نیست. در عرصه خارجی، تقابل بخشی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به جهت خاستگاه اعتقادی و آرمانگرایی آن، با برخی هنجارهای رایج در نظام بین‌الملل و وجود روحیه ضد امپریالیستی و عدم سر-سپردگی در برابر قدرت‌های خارجی، همچنین در عرصه منطقه‌ای وجود مشکلات در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای به جهت رقابت بر سر توزیع قدرت در منطقه، چالش‌ها و محدودیت‌هایی برای تبدیل شدن ایران به قدرت نخست منطقه‌ای ایجاد کرده است.

۶.۱. چالش‌های ترکیه علیه قدرت منطقه‌ای ایران

نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب، متأثر از وضعیت انقلابی و شور و شوق ناشی از آن کوشید تا از زاویه ایدئولوژیک به تحولات و مناسبات با کشورهای دیگر بنگرد. در این راستا، مهمترین خصلت اصولی سیاست خارجی ایران یعنی اسلامیت و انقلابی بودن آن با توجه به اینکه در تعارض با منافع کشور ترکیه در منطقه شکل گرفت، که ضرورت هم‌سوی سیاست خارجی ترکیه با اسرائیل را برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران اجتناب‌ناپذیر کرد. در این راستا موضع‌گیری ترکیه در برابر جمهوری اسلامی ایران، به دلیل همسایگی و تهدیدهای ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک آن حایز اهمیت بسیار است. در مجموع به‌طور خلاصه چالش‌های میان دو کشور را می‌توان بیشتر در چهار زمینه زیر جستجو کرد. اختلافات ایدئولوژیک دو دولت، رقابت در آسیای مرکزی و قفقاز، همگرایی نظام ترکیه و اسرائیل و چالش‌های پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا برای جمهوری اسلامی ایران.

در مسئله نخست، یعنی اختلافات ایدئولوژیک، چالش میان دو کشور از فردای پیروزی انقلاب در ایران آغاز شد. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در ایران، حاکمان ترکیه با توجه به اینکه بیش از ۹۰ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند، احساس خطر کرده و در جهت تضعیف پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران و عدم تضعیف پایه‌های حکومت خود به مبارزه با اسلامی‌گرایی پرداختند. از این رو سکولارها و نظامیان برای جلوگیری از

افزایش قدرت اسلامگرایان آنها را متهم می‌کردند که مورد حمایت ایران بوده و نظام ایدئولوژیک ایران می‌خواهد از این طریق امنیت ملی و تمامیت ارضی ترکیه را تهدید کند. چالش دوم دو کشور رقابت در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی است. همان طور که میدانیم هر دو کشور ایران و ترکیه به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک خود در زمان جنگ سرد و پس از آن مورد توجه قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده‌اند از همین رو بود که آمریکا به خاطر وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ در ایران عمداً توجه راهبردی خود را به روی ترکیه تمرکز کرد. از این رو در آسیای مرکزی و قفقاز روابط ترکیه و ایران بیشتر تحت تاثیر عوامل ایدئولوژیک بوده است تا منافع استراتژیک. (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۱۱۰) بدین جهت است که ترکیه به لحاظ مساعدت جدی آمریکا توانسته است سهمی شایسته را در مبادلات منطقه‌ای به خود اختصاص دهد. هم اکنون بیش از ۱۰۰۰ شرکت ترکیه‌ای در جمهوری‌های تازه استقلال یافته فعال هستند. این در حالی است که به جهت تحدید فعالیت ایران در آسیای مرکزی و قفقاز بوسیله آمریکا جمهوری اسلامی ایران از سهم بسیار اندک از سرمایه‌گذاری در این منطقه در مقایسه با ترکیه و سایر رقبای منطقه‌ای با ترکیه و سایر رقبای خود برخوردار است. (نصیری مشکینی، ۱۳۷۹: ۹۲) چالش سوم، تاثیر همگرایی نظام ترکیه با اسرائیل بر ایران است. تهران همکاری اسرائیل و ترکیه را استراتژیک می‌داند و رابطه لجستیک میان آنکارا و تل‌آویو را به مثابه خنجری تعبیر می‌کند که ضد ایران کشیده شده است. از طرفی دیگر با توجه به اینکه ترکیه می‌کوشد نقش میانجی را در اختلافات اعراب و اسرائیل بازی کند، غرب اکنون حساب بسیاری روی ترکیه باز کرده و احتمال دارد نقش فعال‌تر بر عهده آنکارا گذاشته شود. از آنجا که ترکیه مناسبات نزدیک با غرب و آمریکا دارد، به نوعی نگاه اعراب متوجه این کشور شده است تا بتوانند از این مناسبات بهره‌برداری کنند و بر این اساس موقعیت ایران تضعیف شود. (احتشامی، ۱۳۸۶: ۱۷۴)

در انتها چالش دیگر ترکیه برای ایران نحوه تعامل با اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر ایران است. در این ارتباط می‌توان به پنج مورد چالش برانگیز زیر اشاره داشت که عبارتند از:

۱) قرابت بیشتر ترکیه به اتحادیه اروپا و تاکید آمریکا بر ایجاد الگوی نمونه از ترکیه در جهان اسلام و نیز علاقه اروپا به ایفای نقش فعالتر در جهان اسلام از طریق ترکیه باعث خواهد شد در کنار ایران و عربستان در جهان اسلام، الگوی سومی به نام الگوی ترکیه نیز مطرح می‌شود که به نوبه خود چالشی جدید برای هر دو الگوی مورد نظر ایران و عربستان است.

۲) بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی کردها در ترکیه بر اثر اعمال قواعد حقوق بشری جدید، ایران را با افزایش مطالبات فرهنگی و اقتصادی کردها در داخل مواجه خواهد کرد.

۳) با نزدیک‌تر شدن ترکیه به اتحادیه اروپا، و ورود این کشور در چاب‌های امنیتی اروپایی، ترکیه ناگزیر خواهد شد در بسیاری از موارد سیاست‌های اقتصادی و خارجی خود در قبال ایران را در قالب اتحادیه اروپا تنظیم و اجرا کند.

۴) با تعمیق همگرایی میان ترکیه و اروپا، مرزهای ایران با ترکیه در واقع مرز ایران با اتحادیه اروپا خواهد شد. این امر پیامدهای اقتصادی و امنیتی قابل توجه دارد. (قهرمان پور، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

۵) بعد از سال ۲۰۰۷ و ارتباط بیشتر بین اقلیم کردستان عراق و ترکیه و سرمایه‌گذاری‌های سیاسی و اقتصادی عظیم ترکیه در این منطقه باعث شد حوزه نفوذ ایران کم‌رنگ‌تر شود و دروازه‌های کردستان عراق بیشتر به سمت ترکیه باز شوند. ایران مرزهای طویل با اقلیم کردستان عراق دارد و این در بحث امنیتی حایز اهمیت خواهد بود. نفوذ اسرائیل در اقلیم کردستان یکی از موارد امنیتی دیگری می‌باشد که بر نگاه قدرت منطقه‌ای ایران موثر می‌اشد و همگرایی اسرائیل و ترکیه می‌تواند بر تشدید این موضوع دامن زند. که در ادامه بر این مورد بیشتر تاکید خواهیم کرد.

۲.۶. پیامدهای سیاست ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر قدرت منطقه ای ایران

کردهای عراق به دلیل پیوندهای زیادی از جمله زبان، دین، فرهنگ و تاریخ مشترک، در طول سالیان متمادی با ایران رابطه داشته‌اند. با به قدرت رسیدن عبدالکریم قاسم در عراق و بازگشت ملامصطفی بارزانی از شوروی به عراق، روابط گُردهای عراقی با ایران وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد و تا پایان عمر حکومت پهلوی استمرار یافت، ولی آنچه که کردها به عنوان خیانت بزرگ شاه ایران از خود یاد می‌کنند، قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ بود، درست در زمانی که حق خود مختاری از ۵ سال قبل به آنها داده شده بود و تنها بر سر کرکوک بین کردها و رژیم بعث اختلاف وجود داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ فصل نوینی در روابط ایران با کردهای عراق گشوده شد. اعلان جنگ عراق علیه ایران شرایط جدیدی را در جهت گسترش روابط و هم‌سرنوشتی گُردهای عراق و ایرانیان فراهم ساخت. گُردهای عراق از روزهای آغازین جنگ، در کنار نیروهای ایرانی قرار گرفتند. در گستره مناطق مرزی مستقر شده و با اعزام نیروهای‌شان به خطوط نبرد به یاری نیروهای ایرانی

شناختند. این همکاری نظامی تا روزهای پایانی جنگ ادامه داشت. بنا به همین دلایل بود که جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۹۱ به هنگام آواره شدن کردهای عراقی اعتراض خود را در خصوص صدام به سازمان ملل ارسال نمود و در موضوع منطقه امن و خودمختاری کردستان عراق، ایران هم چنان از کردها حمایت کرد تا ضمن حفظ قدرت نفوذ خود از طریق کردها، بازیگران دیگر منطقه‌ای، به خصوص ترکیه را مهار نماید. در این دوره برای کردها هم اتحاد با ایران به عنوان یک عامل طبیعی برای استمرار محسوب می‌شد. با سرنگونی رژیم صدام روابط کردها همچنان مثل سابق ادامه یافت و ایران به عنوان اولین کشوری بود که نسبت به افتتاح کنسولگری در حکومت اقلیم کردستان اقدام نمود. گرچه در یک دهه گذشته روابط ایران با حکومت اقلیم کردستان همچنان برقرار است، ولی ترکیه علی‌رغم سیاست‌های خصمانه گذشته‌اش در صحنه رقابت در کردستان عراق، به عنوان بازیگری فعال بر ایران سبقت گرفته و همچنان که اشاره شد، از فرصت‌های به دست آمده جهت توسعه منافع ملی کشور خود استفاده م‌نماید. روابط بین ترکیه و حکومت اقلیم کردستان در یک دهه گذشته به طور قطع اثراتی بر قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی در بر داشته است. در همین زمینه تأثیرات عمده به صورت مختصر بیان خواهد گردید:

۶-۲-۱. تأثیرات اقتصادی:

حکومت اقلیم همواره کالاهای مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر وارد می‌کند و محلی مناسب برای سرمایه گذاری در سطح منطقه می‌باشد. به لحاظ اقتصادی و سرمایه گذاری، علی‌رغم اینکه ترکیه در گذشته از تماس رسمی با کردها خودداری می‌کرد و همواره با دید منفی به آنها می‌نگریست، ولی به لحاظ اقتصادی مقام اول در این منطقه را تصاحب نموده است. نقش فعال ترکیه در چند سال گذشته باعث شده صادرات ایران به منطقه کردستان علی‌رغم وجود مرز مشترک و همچنین تعداد بازارچه‌های مرزی بیش تر نسبت به ترکیه در رتبه دوم قرار گیرد. دبیر کل مکتب سیاسی حزب دمکرات کردستان عراق نیز به این نکته اشاره می‌کند که میزان روابط اقتصادی و فرهنگی ایران و اقلیم، شایسته آن سوابق و روابط، عمیق دیرین نیست.

(میرانی، ۱۳۹۲، www.akamnews.com)

برابر آمارهایی که توسط نماینده حکومت اقلیم در ایران بیان شده است حجم تجارت ایران و اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۱ برابر ۴ میلیارد دلار بوده، در حالی که حجم تجارت ترکیه و اقلیم در همان سال بیش از ۱۰ میلیارد دلار بوده است. از سوی دیگر، تا پایان سال ۲۰۱۱

مجموعاً ۲۱۱۸ شرکت در کردستان مشغول به فعالیت بودند که از این تعداد ۱۲۰۰ شرکت یعنی بیش از ۶۰ درصد آنها مربوط به ترکیه بود و ایران با ۱۹۰ شرکت در جایگاه دوم قرار دارد. این در حالی است که طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ تعداد شرکت‌های ایرانی در حکومت اقلیم ۴۶۰ شرکت ولی شرکت‌های ترکیه‌ای ۱۸۲ شرکت بودند. این آمارها تا حدودی، تأثیرات حضور اقتصادی فعال ترکیه در حکومت اقلیم کردستان بر منافع جمهوری اسلامی ایران را مشخص می‌نمایند. با شروع اکتشاف و بهره‌برداری از نفت و گاز شمال عراق، شرکت‌های ترکیه‌ای ضمن سرمایه‌گذاری، به عنوان یک کانال واسطه، برای اجرایی نمودن پروژه عظیم که انتقال نفت اقلیم را هم در بر می‌گیرد، در خصوص انتقال نفت اقلیم کردستان ایفای نقش می‌نمایند. کشور ترکیه به دلیل فقدان نفت و گاز مورد نیاز، مجبور است آنها را از کشورهای ایران و روسیه وارد کند و در این زمینه قرارداد بلندمدتی تا سال ۲۰۲۱ با ایران منعقد نموده است، ترکیه در مقایسه با اروپا مبالغی بسیار بیش‌تر از آنها جهت تأمین نفت و گاز پرداخت می‌کند و از سوی دیگر، با توجه به اینکه در چند سال اخیر ترکیه همواره به دنبال پیوستن به اتحادیه اروپا بوده و مجبور است جهت پیوستن به این اتحادیه، شرط‌های آن را بپذیرد، از آنجایی که در طی چند سال گذشته اتحادیه اروپا نفت و گاز ایران را تحریم نموده و از کشورهای عضو خواسته که از ایران نفت و گاز خریداری نکنند، علی‌رغم توجه نکردن ترکیه به درخواست اتحادیه اروپا در طی چند سال گذشته، این احتمال وجود دارد که ترکیه به منظور هموار نمودن مسیر عضویت با درخواست این اتحادیه موافقت کند. روابط ترکیه و روسیه نیز در چند سال گذشته همواره در نوسان بوده و ترکیه این احتمال را خواهد داد که روسیه از صادرات این منابع به ترکیه خودداری کند. با توجه به موارد ذکر شده، در خصوص قیمت انرژی، عضویت در اتحادیه اروپا، احتمال عدم صادرات از روسیه (همانند آنچه در دوره پس از سقوط سوخوی روسی توسط ترکیه اتفاق افتاد)، ترکیه ضمن تمرکز بر منابع اقلیم کردستان به این نتیجه رسیده که سرمایه‌گذاری در نفت و گاز اقلیم کردستان و ایجاد یک وابستگی متقابل با حکومت اقلیم، بهترین مسیر در این زمینه می‌باشد. وضعیتی که از وابستگی انرژی ترکیه به ایران خواهد کاست و از این رو جایگاه ژئواستراتژیک ایران به عنوان منبع مهم انرژی ترکیه برتری خود را از دست خواهد داد و انرژی نیز در سیاست منطقه‌ای ایران و رقابت با بازیگران دیگر، کارآمدی‌اش

به عنوان کارت بازی منطقه‌ای کاهش می‌یابد، آنچه بطور مستقیم بر قدرت منطقه‌ای ایران تاثیر می‌گذارد.

۶-۲-۲. تأثیرات سیاسی:

از آنجا که ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در سطح منطقه نفوذ زیادی دارد و از طرف دیگر، کشور ترکیه نیز به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای فعال به منظور قدرت نمایی هرچه بیشتر با پیگیری سیاست هژمونی شدن سعی در رهبریت منطقه دارد و به دلیل تقدم منافع اقتصادی بر منافع سیاسی با حکومت اقلیم رابطه برقرار نموده است، که راهبرد ترکیه در حکومت اقلیم کردستان در چند سال گذشته مسلماً تأثیرات سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران در برداشته که به شرح زیر بررسی می‌گردد:

به نظر می‌رسد در چند سال گذشته در دیدگاه ترکیه نسبت به حکومت اقلیم تغییرات جدی صورت گرفته باشد، چون ترکها در مذاکراتی که در خصوص پ.ک.ک با کردهای عراق داشته‌اند، تا به حال نتوانسته‌اند در خصوص همکاری نظامی بر علیه پ.ک.ک، کردها را قانع کنند، به همین علت ترکها به این واقعیت رسیده‌اند که کردهای عراق نه تنها به حمله مسلحانه با پ.ک.ک نخواهند پرداخت، بلکه این احتمال را می‌دهند که در آینده به آنها کمک هم بکنند و از طرفی دیگر، سکوت حکومت اقلیم در برابر حملات ترکیه به کوهستان‌های قندیل احتمالاً به دلیل قراردادهای دوران گذشته عراق با ترکیه باشد و حکومت اقلیم در این مقطع زمانی که کاملاً به ترکیه وابسته است نمی‌خواهد بر سر این موضوع با ترکیه درگیر شود. سیاست سرمایه گذاری ترکیه در حکومت اقلیم کردستان، نرمش در سخنان رئیس جمهور ترکیه در پایان سال ۲۰۱۲ در خصوص کردهای ترکیه، استفاده از نقطه نظرات و همکاری‌های حکومت اقلیم کردستان در خصوص کردهای سوریه و دفاع از کردها در عرصه سیاسی فعلی عراق می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که در صورت اعلام استقلال کردهای عراق ترکیه حساسیت چندانی نسبت به آن نداشته باشد، حسن اونال، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه بیل کنت در یکی از مقالاتش به این اشاره می‌کند: "اکنون که دولت سازی کردی به مثابه یک امر گریز ناپذیر در حال تحقق است، پس چه بهتر که ترکیه در نقش سردمدار منطقه‌ای و حامی این فرآیند ظاهر شود." (احمد لفورکی، ۱۳۷۸) ترکیه در این منطقه استراتژی را به کار گرفته که شرایط را به سویی سوق داده که در صورت استقلال، این منطقه کاملاً وابسته به ترکیه باشد. پرفسور ارول مانیسالی محقق برجسته ترکیه در مقاله‌ای در روزنامه جمهوریت این مطلب را عنوان کرد که

ترکیه و اسرائیل در روند اجرای طرح خاورمیانه بزرگ، دولت عبادی را به عنوان مانعی برای دستیابی به اهداف خود می‌دانند و به این جهت برای تجزیه عراق و تشکیل یک دولت کرد در اقلیم کردستان عراق می‌کوشند. (www.iran.ir)

همواره بحث نفوذ اسرائیل در کردستان عراق باعث ابراز نگرانی جمهوری اسلامی ایران درباره نقشه‌های منطقه‌ای آمریکا و متحدانش شده است که مهمترین هدف آنها هم انزوای ایران می‌باشد. واقعیتی که با اهداف ترکیه به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران در خاورمیانه همپوشانی زیادی دارد از جمله اینکه آنکارا خصوصا پس از شیفت به خاورمیانه در سال ۲۰۰۲ به رقیبی جدی برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد و تلاش کرد وارد حوزه‌های نفوذ ایران در عراق، سوریه و ... شود. یکی از این حوزه‌ها، کردستان عراق است که به دنبال قدرت گرفتن آک پارتی و عادی شدن روابط بین آنکارا و اربیل، ترکیه با افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری خود علاوه بر اهداف دوجانبه، اهداف منطقه‌ای خصوصا هژمونی نیز را دنبال کرده است که لازمه آن از دیدگاه ترکیه کاهش حضور و نفوذ بازیگران منطقه‌ای دیگر همچون ایران در چارچوب بازی با حاصل جمع جبری صفر است. بازی که در رفتارهای ترکیه در سوریه مبنی بر تغییر رژیم و قدرت گرفتن گروه‌های حامی آنکارا و در عراق مبنی بر تضعیف گروه‌ها و احزاب نزدیک به ایران و تقویت جریان‌های وابسته به خود کاملاً آشکار است. ترکیه از زمان تدوین قانون اساسی عراق در خصوص فدرالیسم از قدرت گرفتن شیعیان و نفوذ ایران در عراق نگران بوده و بر این باور است که تهران یک بازیگر فعال در شکل دهی مناقشه شیعیان عراق و گزینه‌های سیاسی آنها درباره حکومت عراق بوده است. لذا یکی از اهداف اصلی ترکیه از تقویت و گسترش روابط با کردستان عراق، ضمن حفظ حضور خود در عراق و تداوم نقش آفرینی، برقراری موازنه قدرت در داخل عراق بین خود و ایران بوده است. به گونه‌ای که این رقابت تنها برشی کوچک از رقابت‌های کلی دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه است و با توجه به جایگاه مهم عراق هم در معادلات قدرت منطقه‌ای می‌توان نتیجه گرفت که تقویت روابط ترکیه و کردستان عراق نه تنها بر جایگاه ایران در داخل عراق بلکه بر قدرت منطقه‌ای‌اش نیز تاثیر گذار خواهد بود. تلاش ایران برای حفظ هم پیمانی احزاب کردستان عراق، در مجموع تاکنون مؤثر بوده، اما این تلاش نتوانسته در همه حوزه‌ها با موفقیت زیادی روبه رو شود و در نتیجه به نظر می‌رسد روابط ایران با جریان های کرد مؤثر در ساختار سیاسی عراق، به ویژه با حزب دمکرات

کردستان عراق گرمی و نزدیکی سابق را نداشته باشد. از سویی برخی قدرت‌های فرمانطقه‌ای و نیز دولت‌های منطقه‌ای و رقبای تاریخی ایران با تلاش فراوان سعی داشته و دارند تا این ظرفیت بزرگ نتواند بالفعل شود و سعی دارند تا میان این دوستان دیرین به ویژه گروه‌های عراقی و ایرانی فاصله ایجاد شود. برای مثال، در انتخابات سپتامبر ۲۰۱۳ اتحادیه میهنی که همواره از جناح‌های وفادار به ایران بوده است، با شرایط جدیدی روبرو شد. این حزب از مجموع ۱۰۰ کرسی پارلمان کردستان تنها صاحب ۱۸ کرسی شد. شرایط مذکور اتحادیه میهنی را در رتبه سوم قرار داد. در این میان، رقیب دیرینه اتحادیه میهنی، حزب دمکرات صاحب ۳۸ کرسی و رقیب نوظهور یعنی جنبش گوران صاحب ۲۴ کرسی شد.

۷. رفراندوم اقلیم کردستان عراق و تبعات آن

با برگزاری رفراندوم در ۲۵ سپتامبر نگرانی‌ها و اعتراضات شدید از سوی کشورهای ایران و ترکیه اعمال شد، همچنین دولت مرکزی عراق بلافاصله سعی داشت یکسری تحریم‌های اقتصادی و سیاسی علیه اقلیم کردستان انجام دهد. روسای جمهور ایران و ترکیه درباره همه پرسى، رایزنی‌های بساری انجام دادند که منجر به اتخاذ تصمیماتی شدید علیه این منطقه شد. ترکیه، استقلال کردستان عراق و سوریه و تشکیل یک کشور مستقل کردی را تهدیدی جدی برای تمامیت ارضی خود می‌داند، همچنین مخالفت ترکیه با برگزاری رفراندوم در حالی ابراز شد که آنکارا در سالهای گذشته روابط خود با اربیل را به شدت افزایش داده بود (euronews.com)، موضع‌گیری‌های اردوغان در سالهای اخیر پیرامون اسرائیل و روسیه و تناقض در اظهار نظرهایشان بهترین سند برای هیاهوی اخیر پیرامون کردستان عراق است. زیرا وجود سفارت اسرائیل در ترکیه و مبادلات اقتصادی سالانه بیش از ۵ میلیارد دلار، همچنین حضور فعال ترکیه در جبهه مخالف شیعه در خاورمیانه و همراهی با عربستان و کشورهای خلیج فارس علیه جمهوری اسلامی ایران نشانه‌های از سیاست‌های معنادار اردوغان علیه ایران در منطقه می‌باشد.

از جهتی دیگر سیاست‌های ترکیه اقتصاد محور است و کردستان عراق سومین بازار ترکیه است که به سادگی از درآمد بیش از ۱۲ میلیارد دلار در سال و سرمایه‌گذاری‌ها و قراردادهای بین‌المللی در نفت و گاز کردستان با شرکت‌های بزرگ اروپایی و روسیه و آمریکا عبور نمی‌کند چرا که ترکیه فقط از طریق کردستان به عراق راه دارد و ادعای بستن تنها دروازه اقتصادی به

عراق و کردستان شعاری بیش نبود و این نیز یک ابهام در سیاست‌های ترکیه در منطقه و توازن قوا علیه ایران درست می‌کند که چرا ترکیه بعد از نشست‌های بسیار با مقامات ایران در مورد رفراندوم اقلیم کردستان حاضر به بستن مرزهای اقتصادی خود علیه اقلیم کردستان عراق نشد. در رابطه با موضوع رفراندوم اقلیم کردستان و پیرامون بحث عراق، ترکیه سعی داشت ایران را وارد تنش‌های سیاسی جدیدی با کردستان عراق کند تا ضمن تضعیف موقعیت و جایگاه ایران در روابط با کردستان عراق، بالعکس جایگاه خود را ارتقا داده و از این طریق هژمونی منطقه‌ای مورد نظر نیز حاصل شود. (asriran.com)

۸. نتیجه‌گیری

شکل‌گیری حکومت اقلیم کردستان عراق یکی از نقاط عطف خاورمیانه می‌باشد که مورد توجه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خصوصا دو کشور ایران و ترکیه بوده است. بعد از سقوط صدام حسین در ۲۰۰۳ حکومت اقلیم کردستان توانست قدرت بیشتری در حکومت مرکزی داشته باشد و روابط خود را با کشورهای اروپایی و آمریکا بیشتر کند و مورد توجه قدرت‌های دیگر باشد.

از نظر اقتصادی سرمایه‌گذاری‌های عظیم اقتصادی در اقلیم صورت گرفت و این باعث شد که کشور ترکیه برای بهتر شدن روابط خود با کردستان عراق تلاش کند و بعنوان کشوری همسایه توانست در صف اول سرمایه‌گذاری در کردستان عراق باشد. در این راستا آنکارا سعی در احقاق سیاست‌های قدرت طلبانه و آلترناتیوی منطقه‌ای خود داشت و با نزدیکی بیشتر به اقلیم کردستان ضمن پیگیری اهداف کوتاه مدت، اهداف بلند مدتی را نیز دنبال می‌کرد. در خصوص دلایل دوجانبه این نزدیکی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دلایل ترکیه:

➤ نیاز شدید به نفت کردستان عراق - حل یا مدیریت مسئله کردهای ترکیه - ممانعت از گرایش کردستان عراق به سمت ایران - حفظ موازنه قدرت در داخل عراق و نهایتاً منطقه

دلایل اقلیم کردستان:

➤ خروج از بن بست سیاسی - صادرات نفت و جذب سرمایه‌های خارجی - فشار بر حکومت مرکزی عراق جهت اعطای امتیازات - بحران سوریه و حمایت از کردهای سوریه

ترکیه در طی چند سال گذشته و تحولات اخیر بهار عربی، جنگ علیه گروه تروریستی داعش در پناه حمایت گسترده ایالات متحده آمریکا از نیروهای خارجی تاثیرگذار در حکومت اقلیم کردستان عراق بوده و سیاست های خاص خود را در زمینه‌های (امنیتی- اقتصادی- نظامی- فرهنگی) اعمال نموده است. ترکیه به عنوان بازیگری فعال در منطقه، راهبرد بلند مدت خود را تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای از طریق ابزارهای گوناگون خصوصا نفوذ اقتصادی سیاسی بنا نهاده است. در این راستا راهبرد خود را مبنی بر گسترش روابط با کردستان عراق به عنوان یکی از همسایگان که دارای مرز مشترک هستند تقویت کرده است. ترکیه می-کوشد با حضور در اقلیم کردستان با نیت مهار کردن پ.ک.ک، عضویت در اتحادیه اروپا و نفوذ و دخالت در عراق جایگاه خود را استحکام بخشد و برتری خود را نسبت به دیگر کشورها خصوصا ایران داشته باشد و حفظ کند. روی هم رفته، متأثر بودن قدرت منطقه‌ای ایران از وضعیت موجود در روابط ترکیه و اقلیم کردستان از مهمترین دلایل این پژوهش بوده است. مبنی بر اینکه هر اندازه روابط ترکیه با حکومت اقلیم کردستان تقویت شود و سطح تبادلات تجاری اقتصادی آنها بالاتر رود به همان اندازه سطح تعاملات اقتصادی ایران با اربیل کاهش می-یابد و در نتیجه میزان نقش آفرینی ایران نیز در کردستان عراق کاسته خواهد شد. وضعیتی که بر جایگاه منطقه ایران نه تنها در داخل عراق بلکه منطقه خاورمیانه نیز تاثیر گذار خواهد بود.

منابع فارسی:

کتاب

- احتشامی، انوشیروان. (۱۳۸۶)، جایگاه ایران پس از سقوط بغداد؛ چشم‌اندازهای منطقه‌ای و بین‌المللی عراق پس از صدام، گردآوری: امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، انتشارات وزارت امور خارجه
- احمد لفورکی، بهزاد (۱۳۷۸)، ترکیه حال و آینده، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر
- انوشیروان احتشامی، هیبنوش ریموند (۱۳۸۲)، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بهرامی، محمد (۱۳۹۱)، عوامل تاثیرگذار بر روابط آنکارا و حکومت اقلیم کردستان، مطالعات بین‌الملل صلح

مقالات

- مسعود اخوان کاظمی، پروانه عزیزی (۱۳۸۹)، کردستان عراق هارتلند عراق، فصلنامه راهبردی، شماره ۶۰
- بهمن ابادی، شهلا (۱۳۹۳)، پتانسیل‌ها و ظرافت‌های روابط ایران و اقلیم کردستان عراق، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای - آمریکا شناسی، اسرائیل شناسی امریکا شناسی، سال پانزدهم شماره سوم
- فرهاد درویشی، علی محمدیان (۱۳۹۲)، بررسی تاثیرات سیاست خارجی ترکیه در اقلیم کردستان عراق بر منافع جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و دوم شماره ۸۵
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، مفهوم ماهیت قدرت منطقه‌ای، فصلنامه راهبردی دفاعی شماره ۴
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۶)، رویکرد اسرائیل به منطقه کردنشین شمال عراق، مطالعات منطقه‌ای، شماره ۲۷
- (۱۳۸۴)، رژیم صهیونیستی و دیپلماسی خروج از انزوای در پی عقب‌نشینی از غزه، نمای راهبردی، سال سوم، شماره هفتم، مسلسل ۴۲

- محمود کتابی، سولماز دهقان یدالله حیدری (۱۳۹۲)، بررسی روابط سیاسی اقتصادی کردستان عراق با ترکیه و تاثیرات آن بر سیاست خارجی ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین الملل، شماره ۱۷

پایان نامه

- امیدى فرد، رضا (۱۳۸۶)، تاثیر عراق جدید بر ساختار دولت و سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی

منابع کوردی:

- قادر په روىز ره حيم، صالح نه جات على (۲۰۱۰)، کاریگه ریه کانی تورکیا له سه ره ریمی کردستان عراق
- عزیز، سردار (۲۰۱۵)، هه ریمی کردستان تورکیه: چ جوره په یوه ندیه ک، سلیمانی، چاپخانه پیره میرد
- محمد صادق، یوسف (۲۰۱۵)، کردستان و عراق ململانه ناوخری و ئاینده سیاسی: سلیمانی، چاپخانه پیره میرد
- هیرش عه بدوالله حه مه که ریم (۲۰۱۵)، په یوه ندیه سیاسیه کانی نیوان هه ریمی کردستان و تورکیه، مه لبه ندی کوردولوجی

English resources

Book

- Bonfield, Craig (2014), **Turkish Kurdish Energy Cooperation in the Iraqi Conundrum**, Center for Strategic International studies
- Borroz, Nicholas (2014), **Turkey's Energy Strategy: Kurdistan Over Iraq**
- Tunçalp, Emre (2015), **Turkey's Natural Gas Strategy: Balancing Geopolitical Goals & Market realities**. Naturalgaseurope

Articles

- Cagapay, soner (2015), **Turkey's Kurdish Path**. Washington institute for near east policy. No 23

Site

www.iran.ir -www.akamnews.com -www.akamnews.com -www.euronews.com
www.asriran.com- www.asriran.com-www.euronews.com-www.berlin.mfa.ir
www.canberra.mfa.ir